**د:** یکی دیگر از راه های اثبات اجتهاد شیاع مفید علم است.

برای توضیح این مطلب لازم است سه بحث باید مطرح کرد.

**بحث اول:** ابتدا باید بررسی کرد که چه تفاوتی بین علم وجدانی و شیاع مفید علم است؟

**جواب:** هرچ فرقی بین این دو نیست بلکه از نظر سبب فرق است به اعتبار اینکه هر دو علم هستند و علم حجَّت ذاتیه دارد در نتیجه هر دو مشترک هستند اما به اعتبار اینکه سبب علم وجدانی فطرت و عُرف است اما سبب علمی که از راه شیاع بدست می­آید پخش بودن در میان مردم است مثلا در یک شهر همه فلان شخص را به عنوان مجتهد می­شناسند لذا برای ما علم به اجتهاد آن شخص می­آورد .

**بحث دوم:** شیاع چیست؟

شیاع در اصطلاح فقها همان استفاضه روائی است در نقل روایات اصطلاح های زیادی است مانند خبر واحد نقل متواتر و نقل مستفیض و شیاع در فقه همان نقل مستفیض در روایت است لذا شیاع به معنی شایعه و بی پایه و بی اساس و بی مدرک نیست.

**شیاع بر دو قسم است**.

**الف:** شیاع مذموم که همان جریانی بدونه مدرک است.

**ب:** شیاع ممدوح که همان نقل مستفیض است و نقل مستفیض اساس و مدرک دارد مانند اینکه از همکاران دوره درس و بحث ایشان زیاد نقل شده که این شخص شفاهاً از استاد اجازه اجتهاد دارد یا استاد به ایشان توجه خاصی داشت.

با این بیان مشخص می­شود که اشکال برخی از فقها مانند سید عبد الأعلی سبزواری در کتاب مهذب الاحکام صحیح نیست

ایشان فرموده اند بسیاری از شایعه ها برخواسته از توهم های مردم است

اما وجه ظهور این است که مراد ما از شیاع شیاع مذموم نیست بلکه شیاع ممدوح است که همان نقل مستفیض است.

**بحث سوم:** شیاع هم موضوعاً و هم حکماً مفید دو چیز است

**الف:** مفید علم است

**ب:** مفید ظن مساوی با علم است.

مراد ما از موضوع، موضوع شیاع است همین که در میان جمعی شیوع پیدا کرد که فلانی مجتهد است این نقل زیاد موضوعیَّت دارد و می­تواند ما را به علم یا ظن متأخم للعلم ببرد و همچنین حکم شیاع همان حکم علم است یعنی حجت ذاتیه است و نیازی نیست که شارع آن را حجت کند لذا دلیل نمی­خواهد و آیه و روایتی نیاز نیست که شیاع را حجت کند.

از کلام محقق کرکی در رسالهٌ فی الشیاع معلوم می­شود که مسأله شیاع تاریخچه آن به زمان ائمه علیهم السلام برگشت می­کند زیرا ائمه علیهم السلام در بسیاری از موضوعات شرعیه شیاع را حجت گرفته اند از جمله

**الف:** اگر بخواهیم شاهد عادل را در محضر قاضی جرح کنیم می­توان با تکیه بر شیاع به قاضی یگوییم این شاهد در میان مردم شهرت به عدالت ندارد.

**ب:** اگر کسی مالی را در دست دارد طبق قاعده ید مالک است اما از طرفی در میان مردم شایعه است که این مال برای او نیست محقق در شرایع فرمود شیاع مقدم بر قاعده ید است و لذا مال را از او می­گیریم[[1]](#footnote-1)

إنَّ شیاع اذا شرط فیه حصول العلم ...

حتی مرحوم کشف الغطاء می­فرماید اگر بینّه ( شهادت عدلین ) به توسط شیاع باشد کافی است

و لو قامت البینه باشیاع أجزاء

**نظر استاد در مسأله:**

به نظر ما نیازی نیست که بگوییم و کذا یعرف بالشیاع المفید للعمل بلکه شیاع مفید ظن متأخم بالعلم هم داخل در بحث است زیرا شیاع دوکار می­کند گاهی علم قطعی می­آورد و گاهی ظن قابل اعتماد می­آورد.

مرحوم سید محمد کاظم یزدی می­نویسد همانگونه که اجتهاد مجتهد به این چند مورد ثابت می­شود اعلمیَّت مجتهد هم به این چند مورد ثابت می­شود و ما هم این را قبول داریم .

1. ۱-شرایع جلد ۴ صفحه ۹۱۹ [↑](#footnote-ref-1)